

ترجمه مقاله مندرج در نیویورک تایمز توسط "گروه مهر ایران"

Enemy of my Enemy
By William Safire
The NY Times, Nov. 29, 2001

دشمن، دشمن من

تعبیر جدیدی از ضرب المثل معروفی در خاور میانه اینست که: دشمن دشمن من میتواند دشمن منم باشد.

شیعه های ایران از ثنی های طالبان متنفرند. متعصبین هر دو شاخه اسلام مدتهاست که به کشتن یکدیگر مشغولند. آیت اله های ایران هم از صدام حسین دشمن دیگر آمریکا که نیم میلیون ایرانی را در جنگ ایران و عراق کشت متنفرند.

آیا دشمنی با دشمنان ما ایران را به دوست ما مبدل میکند؟ اگر بنا را بر دست دادنهای گرم وزیر امور خارجه ایران و کالین پاول در هفته گذشته بگذارید که اولین ملاقاتی از این نوع بعد از گروگان گیری ۱۹۷۹ در سفارت ما در تهران بود، و یا اینکه پاسخ وزیر دفاع، دانالد رامزفلد به سؤال باب شیفر خبرنگار سی-بی-اس در مورد ارتباط ایرانیان با نیروهای امریکائی در افغانستان توجه کنید که گفت: شما شاهد روابط جدیدی در سراسر دنیا خواهید بود، ممکن است به چنین نتیجه ای برسید.

علت اینستکه ما بدام بازی پلیس خوب، پلیس بد، رژیم ایران افتاده ایم. آیت اله خامنه ای در حالیکه نفرت از اسرائیل و شیطان بزرگ امریکا را موعظه میکند به تنبیه مخالفان مشغول است و در همان زمان پلیس خوب، پرزیدنت خاتمی حمله ۱۱ سپتامبر را محکوم میکند، گروههای مخالف طالبان را پشتیبانی مینماید و رویاهای "اعتدال" رژیم را بال و پر میدهد. از طرف دیگر اصلاح طلبان مجلس، مکررا توسط شورای نگهبان بطور بیرحمانه ای سرکوب شده اند. ایرانیان تحت ستم حالا پی برده اند که انتخاب خاتمی منجر به بهاری دروغین شده است. از آنزمان ۵۰ روزنامه بسته شده است. اعضای حزب اله، حزب خدا، بنا بر درخواست روحانیت به دانشجویان آزادی خواه حمله میکنند و بر اعدامهای وحشیانه روز بروز افزوده میشود. ماه گذشته وقتی شایع شد که رژیم با تطمیع بازیکنان باعث باخت تیم فوتبال در مسابقات انتخابی جام جهانی شده است، ده ها هزار ایرانی به خیابانها ریختند و شعار مرگ بر آیت اله و درود بر امریکا سر دادند.

در گزارش اخیر وزارت امور خارجه در مورد تروریسم، ایران با پیشی گرفتن بر عراق و سوریه عنوان فعالترین رژیم تروریست را به خود اختصاص داده است. این نتیجه گیری که مورد استقبال سیاست سازان ذوق زده Eoggy Bottom قرار نگرفت، ناشی از ساده اندیشی نیست. دلایل بسیاری دال بر اینستکه رژیم تهران در کشتار امریکائیان در واقعه برجهای خبر در عربستان سعودی دست داشته است. حتی همین روزها، هواپیماهای باربری ایران برای بمب گذاری انتحاری علیه شهروندان اسرائیلی، اسلحه و مواد منفجره به دمشق حمل میکنند تا به حزب اله لبنان منتقل شود.

خطرناکتر از همه برای ما اینستکه ایران سر آمد رژیم های حامی تروریسم دنیا در ایجاد قدرت هسته ای میباشد. ایران بر دریائی از نفت ارزان نشسته است ولی حاکمانش درآمدی را که سخت مورد احتیاج ایرانیان گرسنه میباشد خرج مواد اتمی و خرید اطلاعات فنی از روسیه میکنند. پرزیدنت ولادیمیر پوتین، همدست مورد اطمینان پرزیدنت بوش، کماکان درخواستهای امریکا و اسرائیل را برای قطع فروش به مشتری که مرکز حمایت از تروریسم است رد میکند.

چگونه است که فشارهای دیپلماتیک و اقتصادی شدید رژیم تهران بر مسکو، بر درخواستهای بوش فائق میاید؟ علت آنستکه حزب اله، بمب اتمی میخواهد و هیچ یک از به اصطلاح میانه روها هم با آن مخالفت نمی کند.

دلایل تازه ای دال بر افزایش قدرت حزب اله وجود دارد: عماد مقنیه که اسرائیل او را بعلت هدایت یک سلسله از بمب‌گزاریهها و هواپیما ربائی‌ها از جمله حمله به مرکز کلیمیان در بوئنس آیرس در سال ۱۹۹۴، "کارلوس لبنان" مینامد، یکی از چهره های اصلی جهاد اسلامیست که به ایران پناهنده شده است. شش هفته قبل از ۱۱ سپتامبر، در ملاقاتی که در بیروت صورت گرفت، فرمانده کل حزب اله، حسن نصراله، مقنیه را بعنوان عضو شورای ترور برگزید. برای آنکه این برداشت دروغین بشود که حزب اله یک حزب سیاسی لبنان است، اسم این تروریست بین المللی به جواد نورالدین تغییر یافت.

صرفنظر از آنکه نامش چه باشد، اسرائیل ها او را برگزیده خامنه ای برای رهبری عملیات رژیم تهران در لبنان میدانند. مطلب حائز اهمیت اینستکه مقنیه نظیر مردی که او جانشینش شد، یک سیاست مدار رادیکال نیست. بلکه تروریست بین المللی با سابقه‌ایست که مورد حمایت سه دولت میباشد.

در ایران، همانند عراق و عربستان سعودی، دیکتاتوری محلی و ترور بین المللی دست در دست هم پیش میروند. از اینروست که ما باید در قبال سیاست عجیب مبارزه با ترور از طریق همراهی با حاکمانی که در نقش پلیس خوب - پلیس بد ظاهر شده اند مقاومت کنیم. ایران در حال آماده شدن برای یک انقلاب دموکراتیک میباشد. ما نباید با روحانیت ظالمی متحد شویم که مبارزان ایرانی سکولار روزی آنرا سرنگون خواهد کرد.